

سدها و سدها فولکلور

توضیح معنوی فولکلور بشرح و بسط معاولی نیاز دارد و مادر فرهنگ زبان فارسی کلمه‌ئی را که معادل آن باشد نداریم ولسی بطور کلی میتوانیم فولکلور را فرهنگ عوام معنا کنیم. فولکلور ملت و تحقیق و تفحص درباره آن امروز یکی از رشته‌های جالب و مهم هنری بشمارست و اهمیت آن روز بروز بیشتر و آشکار تر میشود.

فولکلور و متخصصین این رشته در جماعات و ملل مختلف مقامی بس ارجمندی دارند و تحقیقات و تفحصات آنان مانند گنجینه‌های پر ارزشی حفظ و نگاهداری میشود.

تحقیقات و مطالعات فولکلوریک و جمع و جور کردن آنچه مربوط باین رشته است بیشک منابع ذی‌قیمتی برای محققان و مورخان و جامعه شناسان خواهد بود و همین تحقیقات است که مسلماً بسیاری از نکات و نقاط تاریک و مبهم تاریخی، اجتماعی، ملی و خصائص نژادی و بومی را آشکار خواهد ساخت.

ترانه‌های عامیانه، ضرب‌المثلها، متلکها و دوبیتی‌های هجائی که بسیاری از آنها افواها و بنسل‌مارسیده است، رشته‌های غنی فولکلور محسوب میشود، از روی همین ترانه‌ها و متلک‌ها و دوبیتی‌ها بخوبی میتوانیم احساسات، عواطف، افکار و نمونه‌هایی از طرز تفکر ملت‌ها را بدست آوریم.

ترانه‌های عوام که تحت تاثیر قومیت، ملیت، هجرت‌های تاریخی، مذاهب، سنن و آداب، خصوصیات اجتماعی و فردی، اخلاق و هزاران پدیده دیگر در اجتماع مابوده مبین و نمودار کاملی از سیر فکری و روحی مردم عوام مملکت ما است.

تا چندی قبل اصولاً ملت‌ها و دانشمندان و محققان بی‌اهمیت فولکلور نبوده بودند و این گنجینه هنر و ادب که بسیار ارزشمند است نزر جماعات و ملل مختلف اهمیتی نداشت و مکتوم مانده بود، کسی در صدد ضبط و ثبت این آثار رفیق و لطیف فکر بشر بر نمی‌آمد و این منابع الهام و هنر دزیده استتار و گمنامی بسر میبرد. فقط بعضی آثار فولکلور مانند داستانها، مثلها، متلک‌ها، امثال، ترانه‌ها، اشعار، سرودها، تصنیفها و غیره افواها از نسلی بنسل دیگر نقل میشد و بیشک این آثار تحت تاثیر زمان و مکان و عقائد و آراء نقلابان قرار می‌گرفت و جزء یا قسمتی از آنها تحریف و تغییر می‌یافت. چنانکه شیوه محررین و ضبطان دو این شعران نیز همین بود. با آنکه آثار شعری ضبط و ثبت میشد، باز در زمانهای مختلف محررین بسلیقه و ذوق خویش کلمات و استعارات و چه بسا جملات و مصاریع یک شعر را کمابیش تغییر و تبدیل میدادند و گاه رفقت و لطافت آنرا از بین میبردند همین موضوع امروز گرفتاری بزرگی را برای تحقیق و تتبع و شناختن آثار اصیل شعری گذشته ما فراهم آورده و در هر یک از نسخ دو این شعراء اختلافات و اضافات و ملحقات فراوانی دیده میشود که منسوب بشاعر نیست.

قطلاً و قتیکه محررین اشعار دو این تا این حد مسامحه بخرج دهند، ناقصین و گویندگان ترانه‌ها و داستانها و مثلها و غیره که افواها و نقل فولکلور می‌پردازند آنگاه دخل و تصرف به شعاری در آنها بعمل آورده و اغلب آثار فولکلوریک را از اصالت انداخته‌اند. تغییر و تبدیل آثار فولکلوریک جماعات و ملل مختلف بتدریج صورت می‌گرفت و کسی هم توجه نداشت که اصالت این آثار از زنده ذوق و روح بشر را حفظ کند.

اولین بار در سال ۱۸۸۵ میلادی شخص محقق بنام آمبرواز مورتن AMBROISE MORTON مشغول جمع آوری ادبیات و دانش عوام شد و کلمه فولکلور را بر آن گذاشت (FOLK - LORE) تا آنروز کسی نمیدانست که فولکلور و دانش عوام چه معنی دارد و چگونه میتواند منشاء اثر مهمی برای تحقیق و تتبع باشد. حتی با کلاسه کردن و جمع آوری ادبیات و دانش عوام میتوان خدمات بزرگی را برون شدن نکات تاریک تاریخ و ماجراهای روحی و اخلاقی ملل انجام داد. وانگهی بعواضات ترقی و گسترش سایر علوم و فنون از جمله علم آرکئولوژی ARCHEOLOGIE کم کم اهمیت فولکلور بیشتر روشن شد و همگان دانستند که فولکلور میتواند در این رشته و سایر رشته‌ها یاری مؤثری کند.

درحین که آمبرواز مورتن مشغول جمع آوری فولکلور کشورش

←



بود و مجموعه‌ای تدوین میکرد ابتکارش بسایر کشورهای را ترویج کرد و از جمله علما و محققان کشورهای اسکاندیناوی به تعقیب افکار ابتکاری امیر و زمورتن پرداختند و برای جمع آوری فولکلور کشورهای خویش اقدام کردند

در حقیقت امیر و زمورتن اولین مبتکر جمع آوری فولکلور و دانش عوام محسوب میشود و بعد از او علمای کشورهای اسکاندیناوی به فکر اشاعه آن افتادند.

در کشورهای اسکاندیناوی و آلمان جنبش تحقیق درباره دانش عوام گسترش یافت و در آنجا لغت «VOLKSKMNDE» را مترادف با فولکلور یافتند و آنرا قبول کردند، اما در سایر کشورها برای دانش عوام کلمه‌ای که بتواند معنای تام و کامل فولکلور را بدهد نیافتند و بالاچار همان لغت فولکلور را قبول کردند. همانطور که امروز علوم و فنون شقوق و رشته‌های متعددی دارد، مثلا طب، حقوق و غیره منقسم به چند رشته میشود، یا هنرهای زیبا نظیر نقاشی، سبک‌ها و رشته‌های متعدد دارد، فولکلور نیز بر رشته‌ها و شقوق متعدد تقسیم میگردد، چنانچه شیوه‌های مختلف در نقاشی مانند کوبیسم، کلاسیسم، رالیسم، امپرسیونیسم و غیره وجود دارد و اینها هنر نقاشی را تشکیل میدهد، فولکلور را نیز میتوان رشته‌ای از ادبیات دانست، ولی این مقوله آنقدر وسیع و عمیق است که خود علم جداگانه‌ای را تشکیل میدهد.

بطور کلی فولکلور و تدوین آن بقدری مشکل و طاقت فرساست و احتیاج به مهارت و مداقه دارد که غیرممکنست شخصی تصمم به تتبع و تحقیق و تدوین فولکلور منطقه‌ای بگردد و عمر او پایان این کار و صلت بدهد زیرا همانطور که اشاره رفت فولکلور مشتقات و رشته‌های متعددی دارد که تمام آنها بهم پیوستگی دارند و وقت و تبحر زیاد لازم دارد که شخصی بتواند موفق به تنظیم و لااقل تقسیم آنها بشود.

فولکلور در حقیقت منبع هنری و سرچشمه تمام ذوقیات و آثار دلپذیر یک ملت بشمار میرود. دواوین شعرا، آهنگهای با عظمت موسیقی، ترانه‌های دلنشین و خیال‌انگیز تجلیات فولکلور یک ملت با بقلم مینویسد.

«فولکلور» که در ابتدا تنها بدانش عوام و ترانه‌های روستایی اطلاق میشده امروز شامل عرف و عادات، اعتقادات و رسوم، اوام، پیشگوئی‌های رمالان و ستاره‌شناسان، وقت‌شناسی، ادعیه جن‌گیرها و دهانویسان، تقسیم‌بندی

روزها به عدد و نحس، جانورشناسی، سنک‌شناسی، گاه‌شناسی، دارو شناسی، تشبیهات، استعارات و کلیه سبک‌ها و رشته‌هایی است که ارتباط با این مسائل دارد از قبیل مراسم تولد، زایمان دوران کودکی، جزایلی، زناشویی، حرفه و شغل، پیرایه، سوگواری، جشن‌های مذهبی و ملی و بطور کلی تمام عرف و عاداتی که بازندگی مردم تماس دارد، اساس رشته‌ها و شقوق علم فولکلور را تشکیل میدهد.

از آنجا که عادات، شغل، سنن خانوادگی و هزاران مسائل دیگر روی طرز تفکر و شخصیت مردم اثر میگذارد، فولکلور ملل مختلف و حتی طبقات مختلف از یک ملت باهم فرق دارد.

مثلا فولکلور مناطق صنعتی با کشاورزی و فرسای فولکلور مردم وحشی آفریقا با مردم سوئد



متفاوت است همچنین شغل و موقعیت زمان و مکان در کلمه شقوق و متفرعات فولکلور مؤثر است چنانچه فولکلور یک نفر ماهیگیر با یک نفر حمال فرق دارد. اولی ممکنست زیبایی‌های طبیعت و کشت دریا او را بخيال پردازي و شعر دوستی و زیبا پرستی بکشاند و بالعکس در دومی رنج و محن و توان فرسائی شغل یک زمین‌رو حیوانت‌شکل میدهد. همچنین یقین است که فولکلور یک نفر چوپان که همیشه سروکارش با زیباییهای طبیعت و تنهایی و مؤانست با احشام بوده با فولکلور یک نفر بقال یا تاجر و سوداگر متفاوت است. از این مطلب باید نتیجه گرفت که فولکلور هر شغل و مقام و منصبی باید نزد محقق خاص آن ضبط و ثبت شود، زیرا هموست که در این راه و پیدا کردن کلید افکار و آراء و عقاید مردم رشته خودش صاحب نظر و اطلاع میشود، البته محقق مذکور نیروی طبقه دارد که فولکلور طبقه انتخاب شده خود را با اصول علمی و از لحاظ زمان، مکان و سایر شرایط تقسیم بندی نماید و با ملاحظه و رعایت مقدمات و اصول فنی کار آنرا تدوین کند، همین امر باین سادگی که بآن اشاره رفت در عمل آنقدر وسیع میشود و احتیاج به وقت و مطالعه دارد که مثلا ممکنست پنجاه سال طول بکشد تا شخصی بتواند بطور دقیق و امین



فولکلور مردم یک منطقه کوچک را جمع آوری و تدوین کند. با وسائلی که امروز در دست بشر است از قبیل ضبط صوت، فیلم، تلویزیون، دستگاههای عکاسی دقیق و غیره مسلما کار تحقیق و تتبع در رشته فولکلور آسان تر از سابق شده است، ولی بهمان اندازه متفرعات و رشته‌های مشتقه از آن افزایش یافته و محتاج اشخاص متبحری است که برای تدوین آن صلاحیت داشته باشند.

مرحوم ذکاء الملك فروغی نخست وزیر و دانشمند مرحوم ایران برای کلمه فولکلور «توده‌شناسی» را انتخاب کرده بود و هموست که باهمت و پشتکار بسیار موفق شد فرهنگستان ایران را نیز موافق با تشکیل موزه مردم‌شناسی کند، اینکار با بختکار او انجام گرفت ولی بعدا فراموش شده تا اینکه در چند ساله اخیر اشخاص بصیری پیدا شدند و در فکر نجات این منبع غنی هنر و زیبایی افتادند.

با آنکه مرحوم فروغی اعتقاد داشت که فولکلور جزئی از مردم شناسی ANTHROPOLOGIE است مع الوصف باید گفت که

وضیاط دخل و تصرفاتی در آنها بعمل آورده و با آنکه ترانه‌های مزبور
اکثرا فاقد نت و آهنگ است معینا زحماتی را که مرحوم کوهی در مورد
جمع و تدوین این ترانه‌ها کشیده فراموش شدنی نیست.

آقای صبحی نیز در جمع آوری داستان‌ها و گاه تطبیق آنها با
داستانهای اروپائی و سایر ملل زحماتی کشیده است، ولی چه خوب بود که
این کار وسعت و مداومتی داشت و بالا اقل کسانی که زبان‌های خارجی را بخوبی
میدانند در این کار باویاری و کومک میکردند تا فاصله کوی از چمندها در
تحقیق منابع و مآخذ داستان‌ها و ریشه‌های اصلی فولکلوریک آنها
توفیق بیشتری مییافت. کسان دیگری نیز کمابیش در این راه خدمت
کرده‌اند که اسامی آنها بخواهرم نمانده است.

کتابهایی نظیر جادوگری، اسرار طلسم‌بندی، داروهای ایرانی،
اسرار قاسمیه در طلسم و جادوگری، تفاوتیم، کتابهای ستاره‌شناسی
ورمائی، کتابهای دعا و غیره نیز فراوانند که در شمار منابع فولکلوریک
نامحسوب میشوند و در این باب بحث از آنها جایز نیست.

از مستشرقین خارجی که در این راه زحماتی کشیده‌اند یکی هم
مستشرق و مورخ مشهور فرانسوی هانری ماسه *Henri Masse* که
مؤلف کتابهای چندی درباره ایران و ایرانیان است، زحمات فراوانی در
این رشته کشیده است.

معروفترین کتاب او که میتواند سند معتبری برای فولکلور ما
باشد، کتاب عقاید و تخیلات ایرانیان است که در راه تهیه و چاپ آن
متحمل مخارج و صدمات فراوانی شده است.

دیگری ادوارد مونتان مؤلف کتاب داستانهای ایرانی است که کتاب
او بسال ۱۸۹۰ میلادی در پاریس بطبع رسیده است و میتواند منبع
تحقیقی برای فولکلور ایران باشد.

با کمال تأسف این آثار هنوز بزبان فارسی بر گردانده نشده ولی
امید میرود که مورد استفاده محققان قرار گیرد.

بهر حال جمع آوری فولکلور در کشور ما بعد از آنکه سالهای
بسیار از تاریخ موجودیتش میگذرد - نظرها دیر شده است و لسی
نباید بعد از تاخیر آیین امر را تعلیق به محال کنیم - همه بسایند
در راه احیای فولکلور مردم وطن ما کوشش کنند و این کار را
بجد بگیرند. ●●



مشارالیه توجه نداشته که فولکلور علم جداگانه‌ای را تشکیل میدهد
و مردم‌شناسی را میتوان جزئی از علم فولکلور بشمار آورد.

اولین کسی که در ایران بطور علمی و دقیق راه تحقیق در فولکلور را نشان داد
مرحوم صادق هدایت بود، او برای احیای این منبع غنی و بزرگ هنرهای
مملکت ما زحمت بسیار کشید و تعصب بسیار بخرج داد. در حقوقت پابندهای
اصلی را اوریخت و این کار نام او را در ایران بر زبانها انداخت.

پیش از او مستشرقین و محققان بسیاری نیز با علم به زیبایی و بزرگ
فولکلور با عظمت و جاویدان ما در این کار کوشیده و بسیاری از آنها
در رشته‌های مختلف فولکلور مانند زندگی شیریه‌ها، آداب و سنن ملی،
احوال جماعات مختلف، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عامیانه تحقیقات و مطالعاتی
انجام داده و آثاری در این زمینه بوجود آورده بودند، ولی رشته این کار را
مرحوم صادق هدایت بدست جوانان و صاحبان ذوق و علاقمندان سپرد که
بعد از او این کار را دنبال کنند و امروز مشاهده میکنیم که کم کم دانشمندان
و محققان ما تا آنجا که مقدور است در این رشته کوشش میکنند و کوششی
نمربخش از هر جانب آغاز شده است.

مرحوم صادق هدایت آنقدر در راه احیای آثار فولکلوریک شوق
و عشق داشت که بیشک هنوز هم کسی بعد از او آنقدر علاقه نشان نداده است،
حتی شنیده‌ام که مشارالیه مدت‌ها در موزه مردم‌شناسی کار میکرد و در راه
نشان دادن راه صحیح تحقیق و تهیه فولکلور راهنمای کارمندان آن اداره
بوده است و غیر او کسان دیگری نیز بوده‌اند که در این راه زحماتی کشیده‌اند
یا توانسته‌اند قسمتی از فولکلور ما را ثبت و ضبط نمایند. بیشتر اینگونه اشخاص
در راه جمع آوری دوبیتی‌های هجائی یا سیلابیک، ترانه‌ها، متلک‌ها و امثال
پرداخته‌اند، از جمله دکتر محمد مکرری قسمتی از ترانه‌های مناطق کردنشین
ایران را بعنوان ترانه‌های کردی جمع آوری کرده است.

استاد فقید، دهخدا در جمع آوری دوبیتی‌ها، متلک‌ها، امثال
و لغات عامیانه زحمت بسیار کشید و فرهنگ او قطعاً یکی از آثار برجسته
ادبیات و فولکلور ما بشمار خواهد رفت، زیرا بسیاری تعبیرات، استعارات
و بسیاری از کنایات و متلکها و امثال زبان فارسی بکوشش آن مرد دانشمند
در آثاریکه اینک آبشخور دانشوران ماست فراهم آمده است.
مقداری از دو بیت‌های شیرازی را نیز مرحوم کوهی کرمانی جمع آوری
کرده است، گرچه این ترانه‌ها مخلوط و درهم است و در بعضی جاها ناقل

